۸۶

لندن ۲۱ فوریه ۱۹۹۲

[illegible]

دوست عزیز آقای گودرزی

سلام و به همه گردانندگان محترم پرواز

با درود گرم، شعری را که همین دیشب گفته‌ام «به نام ایران!» برایتان می‌فرستم. اجازه بدهید این تبریک‌نامهٔ نوروزی همین باشد. اگرچه هنوز زود است، اما بهتر از این است که دیر بشود. پیش از بهار جدید آنقدر کار انبار شده که بیم آن می‌رود نتوانم به موقع خود این وظیفهٔ زیبای شادباش‌گویی را انجام دهم.

و اما در نامهٔ خودتان پرسیده‌اید آیا «خرده‌خاطره‌ها» گزینهٔ اشعارم در دیسک یا دیسکت تهیه شده است؟ بله. موجود است، اما تعدادی که شخص تهیه‌کننده می‌گوید این با کمپیوتر اپل است و وصلی است به کمپیوترهای دیگر نخورد. به هر حال ~~بیشتر~~ من سررشته ندارم نمونهٔ چاپ آن کتاب ۴۳۰ صفحه‌ای را که کمی بیش از ۲۰۰ ورق خواهد شد برایتان می‌فرستم. خیلی ~~[illegible]~~ منتظر بودم پاسخی سؤالی که در این مورد (چاپ کتاب) از آقای علی سجادی کرده بودم ~~[illegible]~~ بگیرم. اگر بخواهم شوخی کنم باید ~~[illegible]~~ بگویم دل به سر زلف تو نیاسود، سر زلف دگری - از برای دل ما قحط پریشانی نیست!! شعر قشنگی است، نیست؟

سلام پرمهر به ایشان و همهٔ ~~دوستان و «پرواز» و~~ به خانم‌تان

با آرزوی شادکامی‌ها و موفقیت‌ها

ژاله

آقایان پرواز! تکهٔ اول این نامه را بدون اجازهٔ من به شکل نامهٔ جداگانه به آقایان در شمارهٔ پیش چاپ کرده‌اند که بهشان اعتراض کردم.